

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۰۸ جون ۲۰۱۷

یکی از خصلت های خوب دانشمندان

یکی از خصلت های خوب دانشمندان در برابر افسانه سرایان، یا کوتاه بینان این است که برای بیان یک مطلب همواره، مگر این که دانشمند نبوده بیهوده ادعای دانشمندی کنند، گذشته از این که آن مطلب را تا همان جایی که برای شان مفهوم و قابل درک و معلوم است، توضیح می کنند و هیچ وقت در درستی و نادرستی آن پافشاری نمی نمایند، رابطه علت و معلول را در نظر می گیرند و از دیگران هم می خواهند برای شناخت درست داده های علمی، رویداد ها و موضع گیری ها، قبل از اظهار نظر، این رابطه را در نظر داشته باشند. به طور مثال و برای اثبات این سخن اگر به یک دانشمند یا به یک اندیشمند گفته شود که برخی ها مظاهرات روز جمعه گذشته کابل را آستان تغییر منفی در کشور می دانند و آن را کار معقول و شائسته نمی دانند و از او پرسیده شود که نظر خودش را در این باره ابراز کند؛ خواهد گفت:

"با توجه به شرائط موجود کشور ما این نظر کاملاً درست است، اما باید دید و باید پرسید که چرا مردم مظاهره می کنند!

مظاهره مولود حالات و اعمال خاصی است که دولت مسؤول آن می باشد. هیچ مظاهره چپی در بروز اعمالی که سبب مظاهره ها شده و می شود، نقشی نداشته اند. مردم کشته و زخمی داده اند. این اولین باری نیست که مردم کشته و زخمی می دهند و خساره می بینند. تنها در یک یا یک و نیم ماه گذشته در حدود چهار صد نفر در قول اردوی شاهین کشته شدند. کشته شدگان شفاخانه سردار محمد داوود خان نیز در همین حدود بود. کشته شدگان حادثه سه راهی دهمزنگ، مسجد باقر العلوم، اکادمی پولیس، ریاست دهم امنیت ملی، شاه شهید، حمله بر مجلس شورای ملی، ریاست رجال برجسته، چهارراهی زنبق، ترور های انفرادی و... هر قدر مردم گنگس و پخمه و از جان خود به سیر آمده باشند و هر قدر تحمل داشته و به دلیل اوضاع خاص کشور و حس مسؤولیت ملی حاضر باشند جام زهر را سر بکشند، بالاخره مردم را به دادخواهی مجبور می سازد. کاسه صبر مردم لب ریز شده است. دولت و حامیان گوناگون آن، نباید به بهانه شرائط حساس و شکننده موجود کشور از مردم در هر حالتی انتظار داشته باشند که هر فشار و بیداد و مصیبت را تحمل کنند و هر کم کاری و غفلت و گریز از وظیفه را نادیده بگیرند. مردم و دولت به طور مساوی و مطابق قانون در برابر هم تعهداتی دارند. اگر دولت نتواند، یا نخواسته باشد تعهدات خویش را در برابر مردم جدی بگیرد و وظایف خود را بدرستی انجام بدهد و به وعده های خویش عمل نکند، آیا مردم حق

ندارند که این سستی یا فراموش کاری عمدی یا غیر عمدی را به رخ دولت بکشانند و یا دولت را متوجه سهو و اهمال در کار هایش کنند؟

همه می دانیم که دولت نتوانسته است امنیت مردم را چه در پایتخت و چه در شهر ها و ولایات دیگر کشور تأمین کند. تأمین امنیت مردم یکی از مهمترین وظایف دولت است. علاوه بر این که دولت قادر به تأمین امنیت مالی و جانی مردم نیست، همواره با احساسات مردم با دلداری های غیرواقعی و وعده های میان خالی و ادعا های بی پشتوانه و دروغین سرکوب تروریستان و قطع جنگ و کمک به خانواده های زیان دیدگان بازی نموده است. کشمکش ها بر سر قدرت و تقسیم کرسی ها و حمایت از مفسدترین عناصر، که سبب به هم خوردن روال عادی حکومت داری و موجب تمام بدبختی های مردم و کشور شده است، بیشتر از این برای مردم قابل قبول و قابل تحمل نیست. وجود صد ها انسان خود فروخته در دستگاه دولتی، قوم پرستی و انحصار قدرت و وجود فساد و عدم تعقیب جاسوسان، جنایت کاران، مجرمان و مفسدان و زورگویی و اختطاف کنندگان و رشد روز افزون خطر طالب و تروریسم و ده ها نقصان و خطا و رسوائی دیگر که به گونه های مختلف بر زندگی مردم تأثیرات منفی به جای می گذارند و دولت باید جلو آن ها را بگیرد، تاب و توان مردم را به کلی از بین برده است.

آیا تنها مردم برای حفظ ثبات و امنیت و برای این که شرایط کشور از این بدتر و شکننده تر نشود و برای دفع خطرات احتمالی در آیند مسؤولیت دارند. اگر دولت وظایف خود را جدی می گرفت و در حفظ امنیت مردم کوشا می بود و مردم کشته و زخمی نمی دادند و زندگی و کار شان برهم نمی خورد، آیا مردم دست به اعتراض و مظاهرات و زنده باد و مرده باد می زدند؟

آقای الکوزی، یکی از کارمندان اتاق های تجارت و صنایع می گوید که در طول یک هفته گذشته دکانداران شهر کابل بیشتر از دوازده میلیون دالر خساره دیده اند. مگر مردم این را می خواستند یا می خواهند؟ به هیچ وجه! وظیفه تأمین امنیت مردم به دوش چه کسانی است؛ به دوش مردم یا به دوش دولت؟ وقتی دولت به کار های محوله و مسؤولیت های خود رسیدگی نتواند، مردم چه کنند؟!

تأثیرات منفی مظاهرات را به دوش مردم انداختن کار اصولی و شائسته نیست. مظاهرات معلول بی کاری و غفلت، به مفهوم دیگر، نتیجه یا پی آمد بی کفایتی دولت است. بناءً بهتر است در پی یافتن علل اعتراضات مردم علیه دولت باشیم و بر آن ها انگشت انتقاد بگذاریم، نه این که وقت خود را به کاوش معلول و تأثیرات آن - که بدون تردید می تواند علت یا علل برخی از کار های خوب و خراب باشد و به نوبه خود قابل تشویش و تعمق می باشد - بیشتر از علل (به هر دلیل روا و ناروا که است) مصروف کنیم."

و با این جواب، سر وجدان ما را، به هر دلیلی که علل اعتراضات و مظاهرات یا شکوه ها و شکایات و مخالفت های مردم از/با دولت را، پیش از نظر انداختن به کارنامه های قابل نقد و اعتراض دولت، ناموجه می خوانیم، به جیب تفکر یک انسان پاسخگو و ملی در برابر خود و مردم و خدا فرو می برند و ما را مجبور می سازند که از خود بپرسیم که اگر مسؤول امور و سرپرست کارها (دولت) میل به انجام وظیفه نداشته باشد و تکالیف خود را جدی نگیرد و خود را در برابر مردم و وظیفه ای که به عنوان پاسخگو دارد، نداند، مردم چه کنند؟ توصیه ما به مردم چه است؟! هر ظلمی را که بر آن ها روا داشته می شود، تحمل کنند و دست به هیچ شکوه و شکایت و دادخواهی نزنند؟؟؟

من این را می پذیرم، که در هر حرکت سیاسی، از جمله در مظاهرات، به خصوص در کشور هائی که دولت ها تکرو و زورگو و فتنه جو و توطئه گر و فاقد توانائی انجام وظیفه هستند و فضای سیاسی کشور را با این گونه

اعمال شان آماده برای توطئه و فساد و فتنه و سوءاستفاده ساخته اند، یک تعداد انسان یا برخی از گروه هائی توطئه گر و مودی در درون مظاهرات به حق و مسالمت آمیز و مردمی نفوذ کرده می خواهند مظاهرات را در مسیر دلخواه خود بکشانند، اما در این مورد خاص هم اولتر از همه باید به عامل و منشاء اولیه و انگیزه اصلی بروز یک حادثه فکر کرد تا به تحلیل و تشریح معلول!

چنین برخوردی، علی الخصوص برای آن عده از رسانه ها ضروری است که همواره و به یک زبان بر طبل ملی گرایی و وحدت می کوبند، ولی در عمل خود باعث شقاق و نفاق و درز افکندن میان مردم می گردند!!

۲۰۱۷/۰۶/۰۷